

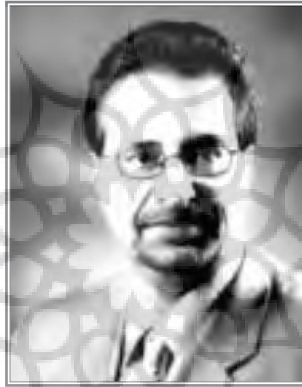
هشدارها، تهدیدها

دیدگاه دکتر احمد روستا، مدیر عامل شرکت راستابین و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

می دهند. متأسفانه این گونه افراد، با بیان رفتار خود، بدبینی ها و خوش بینی هایی را دامن می زنند که هردو مخرب هستند.

● **وحدت تضاد:** نگرش و بینش انسان ها، جهت دهنده رویکرد رفتار و روش برخورد آنها با پدیده ها و از جمله طرح تحول است. دعوت از انواع کارشناسان و نشست با گروه هایی که تضاد نگرشی و بینشی آنان کاملاً مشخص و شناخته شده است، از اتفاقاتی است که طرح تحول اقتصاد با آن روبه روست و می توان آن را «وحدت تضاد» نامید که به طور قطع، بیش از آن که ارزشی باشد، نمایشی است و نتیجه نهایی آن چیزی جز نشست و برخاست هایی نمادین نخواهد بود. مگر می توان تحول اساسی در اقتصاد کشور را با انواع نگرش های متضاد و مغایر با هم طراحی و اجرا کرد؟

● **تحولات نمایشی زود بازده:** بعضی از طرح ها و پروژه های تحول، اگرچه در تنظیم اولیه، بسیار امیدوارکننده به نظر می رسند، اما در عمل با پدیده هایی روبه رو می شوند که همه امیدها را به یأس مبدل می کنند. یکی از این پدیده ها، تحولات نمایشی زود بازده، با اهداف و انگیزه های خاص و غیرواقعی است. این انگیزه ها، ممکن است برای جلب نظر مردم و حمایت مردمی برای دستیابی به اهدافی جانبی اما حیاتی برای بعضی از ارایه دهندگان و طراحان باشد. این آفت نه تنها طرح را با بحران روبه رو می کند، بلکه نوعی بی اعتمادی به سایر طرح ها نیز به وجود می آورد و جامعه را به بی تفاوتی می کشاند. در این زمینه هدف، نشان دادن بعضی از آثار کوتاه مدت و بزرگمایی آنها است.



● **تحولات دستوری - فرمایشی:** تحولات دستوری و فرمایشی که به نوعی اجباری و دیکته ای است، اگرچه ممکن است تا مدتی، در بعضی از زمینه ها دنبال شود، اما دلخواه و مطلوب نخواهد بود. لازمه تحول اساسی، بسترسازی مناسب است و بسترسازی شامل اعتمادسازی، آگاه کردن، شفافیت، همدلی، رغبت و روحیه مشارکت و همکاری است. زور، فشار، تهدید، امرکردن و ترساندن از ویژگی های سبکی مدیریت و مدیرانی است که احتمالاً در این شرایط پرورش یافته اند و همواره «تهاجم» را بر «تفاهم» ترجیح داده اند. این نوع برخورد که تداعی کننده تربیت بر مبنای چماق است، تحولش هم چلاق خواهد شد.

● **تحول فرسایشی:** مدیریت فرسایشی، نوعی مدیریت کش دادن زمان با انواع وعده ها و ترندها برای کم رنگ کردن انتظارات، کاهش حساسیت ها و عادی شدن تدریجی پدیده ها و پذیرش حداقل ها است. این نوع مدیریت، در شرایطی صورت می گیرد که اطمینان کافی با شرایط لازم برای انجام فرآیند تحول وجود ندارد یا نوعی تردید، نگرانی و ابهام نسبت به بعضی از پدیده های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارد و لازم است تا پس از مشخص و شفاف شدن آنها، اقدامات اساسی صورت گیرند. این نوع مدیریت، به عنوان یکی از سبک های متداول درآمده است که گاهی جامعه را به بی تفاوتی، خستگی یا بلا تکلیفی می کشاند.

● **کج فهمی، بدفهمی و ناآگاهی ها:** تهدید و خطر بزرگ طرح تحول اقتصاد کشور را می توان در درک نادرست، ناقص و غیرواقعی و سطحی از مفهوم «تحول» و الزامات آن و نیز «اقتصاد و نظام اقتصادی» و ابعاد و اجزای آن و سرانجام «مدیریت تحول اقتصاد» و قابلیت ها و چگونگی آن دانست.

طرح تحول اقتصاد کشور نیازمند مدیریتی توانمند، محیطی قانونمند و نگرشی

نظام مند است. ■

اکنون که طرح تحول اقتصادی کشور، به صورت سریال رسانه ای و نشست با گروه های گوناگون مطرح شده است و انتظاراتی را برای اقتصاد سالم و پویا به وجود آورده است، وظیفه خود می دانیم تا نکاتی را به عنوان «هشدارها و تهدیدها» که در حد و اندازه این صفحه است، به طور بسیار مختصر و ساده بیان کرده و آرزو کنیم، این طرح، از گزند آنها مصون بماند.

● **تب و التهاب تحول:** بزرگمایی های بی مورد و بی جا و جلوه دادن بعضی از آثار جذاب و چشمگیر و گاهی غیرواقعی طرح تحول، از جمله نکاتی است که لازم است مورد توجه مسئولان قرار گیرد، زیرا باعث نوعی التهاب و تب تحول در جامعه می شوند که نه تنها نتیجه بخش نیست، بلکه نگرانی هایی برای ادامه حرکت به وجود می آورد. التهاب و تب تحول وقتی شدت یابد، به وعده های رویایی و آرمانی و دست نیافتنی منجر می شود که معمولاً توسط کسانی بیان می شود که نه تحول را درک می کنند و نه اقتصاد را می فهمند.

● **هیجان جبران:** دیراندیشی، سهل انگاری، غرور و فرصت سوزی های زیاد در دوره ای طولانی، اقتصاد کشور را گرفتار بیماری های گوناگونی ساخته است که باعث نگرانی و ناراحتی جدی و همگانی شده است. در این شرایط، حالتی به نام «هیجان جبران» شکل می گیرد که در آن، نوعی شتاب و تشنگی زیاد برای جبران عقب ماندگی ها و فاصله ها در کوتاه ترین زمان و بیشترین میزان وجود دارد و معمولاً با دخالت گروه هایی همراه می شود که اگرچه به ظاهر دلسوزانه است اما در عمل و باطن سوزاننده است و باعث کجروی در مسیر تحول می شود.

● **استقبال و حمایت افراطی:** بعضی از گروه ها با شور و شوقی زیاد و گاهی تعصب گونه از طرح تحول استقبال کرده و دایه مهربان تر از مادر می شوند و از هرگونه حمایت و پشتیبانی، به ویژه کلامی و گفتاری کوتاهی نمی کنند، اما به دلایل گوناگون از جمله برخورد با واقعیت، آگاهی و شناخت و سرگرم شدن با پدیده ای جدید و دلسردی از رفتارها و واکنش های غیرقابل انتظار، به تدریج به جای تمجید، تحسین و ترویج طرح، به تضعیف، تخریب، استهزا و تحریم آن می پردازند. به عبارتی، طرح با گروه «خوش استقبال های بد بدرقه ای» روبه رو می شود که اگرچه پذیرش اولیه آنها افراطی و احساسی است، نکوهش و سرزنش نهایی آنان نیز اغلب غیرمنطقی است، اما به نوعی بر فرآیند تحول تأثیرگذار هستند.

● **مقاومت در برابر تغییر:** یکی از تهدیدهای اولیه و قابل پیش بینی در هر نوع تغییر و تحول اساسی، مقاومت در برابر تغییر است که جنبه روحی، روانی و گاهی ارزشی دارد و چندان پایدار نیست و می توان با آگاه کردن، آموزش و درایت و حوصله، این گونه مقاومت ها را به ملایمت و موافقت تبدیل کرد. این گونه مقاومت ها باعث کندی حرکت در بعضی از مراحل می شوند که لازم است در محاسبات و مطالعات اولیه به آنها توجه شود.

● **مخالفت و موافقت کور:** طرح های تحول گاهی با مخالفان و موافقان کور و کر روبه رو می شود که بنابر عادت و روحیه فردی، فقط سیاهی یا سپیدی ها را می بینند و کمتر بر مبنای ارزیابی قوت ها و ضعف ها و عوامل مفید و مضر و مثبت و منفی به موافقت یا مخالفت می پردازند. این گونه افراد، گاهی حتی یکبار طرح ها را مورد مطالعه قرار نمی دهند و تنها با انگشت گذاشتن روی چند عامل کلیدی یا چشمگیر و یافتن نکاتی که بتوانند پاسخگوی نگاه مخالف یا موافق آنان باشند، واکنش نشان